یادداشت

کم‌رویی بزرگ‌ترین مشکل استیلی

حشمت مهاجرانی
کارشناس فوتبال

■ حمید استیلی در زمان بازی، یک بازیکن تمام‌عیار و فداکار بود. او در تیم باشگاهی و تیم‌ملی، همیشه با تعصب بازی می‌کرد و یکی از بهترین‌های فوتبال ایران بود. موفقیت‌های استیلی در عرصه بازیگری بر هیچ فردی پوشیده نیست و همه اهالی فوتبال به او احترام ویژه‌ای می‌گذارند.

من در زمانی که حمید فوتبالیست بود، او را از نزدیک نمی‌شناختم اما زمانی که مربیگری را آغاز کرد، از اولین روزهای کارش در استیل‌آذین که آن موقع آجرلو مدیرعامل آن بود، می‌شناسمش.

من در دو تیم با استیلی کار کردم و به خوبی با شخصیت او و دیدگاهش نسبت به فوتبال آشنا هستم. او برای مربیگری فاکتورهای بسیار زیادی دارد؛ اول اینکه بازیکن بزرگی بود و در تیم‌های بزرگی مانند پرسپولیس بازی کرد. او به خوبی از شرایط و جو تیم‌های بزرگ آگاه است. دلیل دیگر را می‌توان علمی بودن او دانست. او همیشه در حال تحقیق در مورد فوتبال و مربیگری است که یکی از فاکتورهای مهم برای مربی بزرگ شدن است.

صبر و حوصله‌اش در مقابل اتفاقات مختلف همیشه بالاست، کمتر دیده می‌شود که حمید با شاگردانش در مورد موضوعات مختلف بحث کند و زود از کوره در برود. شاید تنها نکته منفی درخصوص استیلی، کم‌رویی این مربی است. برعکس بسیاری از مربیان که سعی می‌کنند خودشان را به دیگران تحمیل کنند، حمید موقعی که می‌خواهد حرف عادی خودش را بزند هم سرخ می‌شود. او در بوشهر موفق شد فوتبال شاهین را متحول کند. او به کمک دستیارانش و بنده دست به کارهایی می‌زد که هیچ مربی جرات آن را نداشت. فوتبالی که تیم شاهین در زمان حمید استیلی بازی می‌کرد، بسیار زیبا بود، هرچند همیشه با نتیجه دلخواه همراه نمی‌شد که به نظرم می‌تواند یک ضعف باشد.

زمانی که استیلی به پرسپولیس رفت، بدترین زمان برای او بود. چند ماه قبل از اینکه به عنوان سرمربی پرسپولیس انتخاب شود، برادرش را از دست داد که ضربه جبران‌ناپذیری برای او که انسانی احساساتی است، بود. بعد از آن هم پرسپولیس در حالی به دست او رسید که فرصت چندانی برای کارکردن با تیم نداشت. تیم را ناقص تحویل گرفت و با همان تیم ناقص به اردوی ترکیه رفت. بعد از اردوی ترکیه هم تعدادی از ملی‌پوشان به تیم اضافه شدند تا عملا فرصتی برای هماهنگی آنها وجود نداشته باشد.

وقتی بازی‌های لیگ شروع شد، او تحت فشار همه‌جانبه قرار داشت؛ از یک سو هواداران و از سوی دیگر رسانه‌ها او را له کردند و اصلا هیچ فرصتی برای نشان دادن قابلیت‌های فنی حمید به او داده نشد. زمانی که در پرسپولیس مشغول کار بود، چندین بار با او صحبت کردم و به او گفتم استعفا بدهد اما به قدری پرسپولیس را دوست داشت که حاضر نبود تیم را تنها بگذارد. در بازی آخر که روی نیمکت پرسپولیس نشست و تیمش را مقابل استقلال هدایت کرد، هیچ بازیکن بزرگسالی روی نیمکت نداشت و دستش کاملا بسته بود. او شکست سختی در آن بازی خورد و مجبور شد تیم را ترک کند اما همین بازی باعث شد استیلی دوست و دشمن خود را به خوبی بشناسد.

زمانی که استعفا داد، به او گفتم چند ماهی از فوتبال دور باشد و حتی به یک مسافرت خارجی برود اما به دلیل مشکلات خانوادگی نتوانست برود اما حالا وضعیت روحی او بهتر شده است.

به نظرم به مربیان جوانی مانند استیلی باید فرصت داد و با یک فصل نباید آینده یک مربی را از بین برد. مربیان جوان احتیاج به فرصت دارند؛ چیزی که متاسفانه در فوتبال ایران وجود ندارد. احترام ویژه‌ای برای حمید استیلی قایل هستم، چون هم از نظر فنی حرف‌هایی برای گفتن دارد و هم از نظر اخلاقی یک فرد نمونه است. بدون شک در آینده از او حرف‌های بیشتری خواهیم شنید.

خبر

باشگاه پرسپولیس آماده واگذاری

■ مدیرعامل باشگاه پرسپولیس گفت: همه راه‌ها را رفته‌ام، به وزیر اقتصاد و مسوولان اقتصادی اعلام کنید آماده‌ام پرسپولیس واگذار شود. محمد رویانیان در گفت‌وگو با «فارس» در مورد واگذاری باشگاه فوتبال پرسپولیس گفت: از مسوولان اقتصادی بخواهید، من همه راه‌ها را رفته‌ام، پرسپولیس آماده است که به بخش خصوصی واگذار شود. مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در حاشیه مراسم ارایه گزارش سرمایه‌گذاری خارجی در وزارت اقتصاد گفت: از آقای وزیر اقتصاد و آقای وزیر محترم ورزش خواهش می‌کنم اجازه دهید که امسال پرسپولیس واگذار شود.

رویانیان گفت: همه کارها را کردیم و از اول امسال هم می‌توانستیم خصوصی‌سازی کنیم. وی در مورد نحوه واگذاری باشگاه پرسپولیس گفت: واگذاری از طریق فرابورس خواهد بود. ان‌شاءالله شرکتی که این باشگاه را بخرد، تبدیل به شرکت سهامی عام خواهد شد و سهام آن در اختیار مردم و هواداران قرار خواهد گرفت.

رویانیان در مورد ارزش باشگاه پرسپولیس گفت: ارزش آن باید در حراج مشخص شود.

حمید استیلی سرمربی اسبق پرسپولیس:

رفتن برخی بازیکنان از پرسپولیس درست بود

معصومه حیدری/پویان امیری

روزگاری تعصب و غیرتش زبانزد فوتبال‌دوستان شده بود و همه به هم می‌گفتند مثل «حمید استیلی» باش! در مستطیل سبز آرام و قرار نداشت. مدام درحال طی کردن عرض و طول زمین بود تا در تمام صحنه‌ها و لحظات بازی جلوی چشم‌ها رژه برود. هنوز هم وقتی حرف از جام‌جهانی ۱۹۹۸ به میان می‌آید - با اینکه این اواخر هر جا از او نام و نشانی دیده یا شنیده می‌شد ناخودآگاه جمله اعتراضی «علی دایی» که تبدیل به واژه برای نشان دادن اعتراض در فوتبال و جامعه ایرانی شده است بر زبان‌ها جاری می‌شد- ذهن‌ها شروع به تصویرسازی شکل و شمایل استیلی -که در فرانسه خوش درخشید و آن گل زیبا را وارد دروازه آمریکا کرد- می‌کند تا معلوم شود نتایج ضعیف با پرسپولیس که نه، بلکه حتی ناکامی‌های بزرگ‌تر هم نمی‌تواند لحظات ناب فوتبال دو دهه اخیر را که استیلی همواره به عنوان یک کاراکتر تاثیرگذار در آنها حضور داشته از ضمیر ناخودآگاه علاقه‌مندان به این ورزش پرطرفدار پاک کند. امروز او از فوتبال ایران و جهان، رقابت‌های یورو و آنچه را که باید در ایران رعایت شود، اما نمی‌شود تا فوتبال به موفقیت نرسد و از همه مهم‌تر زمان حضورش در پرسپولیس به عنوان سرمربی سخن می‌گوید. حرف‌هایی که ماحصل آن در قالب مصاحبه‌ای در ادامه آمده است و خواندنش خالی از لطف نیست.

فصل گذشته همین موقع داشتید تیم پرسپولیس را آماده مسابقات لیگ می‌کردید، فکر می‌کردید این اتفاق‌ها بیفتد و شما یک نیم‌فصل هم دوام نیاورید؟

اگر از اول فصل پیش‌بینی آن اتفاقات را می‌کردم، هیچ‌وقت حاضر نمی‌شدم بیایم. واقعا روزهای سختی بود. فشار بسیار زیادی را متحمل شدم. با وضعیتی که وارد پرسپولیس شدم و آن انتخاب‌ها به وجود آمد، زمان را نیز تا حدودی از دست داده بودم. اختلافاتی که مدیریت قبلی با سرمربی وقت داشت، حواشی ابتدایی را دامن زد. به طور یقین همین حاشیه‌ها به تیم نیز منتقل شد. همه تیم‌ها تمرینات خود را شروع کرده و بازیکنان‌شان را هم جذب کرده بودند. با آن وضعیت، من و همکارانم تمرینات را شروع کرده و با چند بازیکن که هنوز تیم خود را انتخاب نکرده بودند، قرارداد بستیم. ما دیرتر از بقیه تیم‌ها تمرینات و اردوهای آماده‌سازی را شروع کردیم. چند روز بود تمرینات را شروع کردیم که یا بازیکن مصدوم می‌شد یا اردوی تیم‌ملی آغاز شد. خیلی جالب بود که تیم آن همه مشکل داشت اما هشت بازیکن ما را به اردو دعوت کردند. در آغاز تمرینات، تیم کاملی را در اختیار نداشتیم که بخواهیم کار بدنسازی کنیم چه برسد به اینکه بخواهیم کارهای تاکتیکی انجام دهیم. در تمام دنیا، زمانی که تمرینات ابتدای فصل است، تیم‌ها با تمام نفرات تمرین می‌کنند؛ ولی همه شاهد بودند پرسپولیس با نفرات ناقص تمرین می‌کرد و همین موضوع خیلی به ضرر ما شد.

پس معتقد هستید دیر شروع کردن تمرینات باعث به وجود آمدن مشکلات شد؟

لازم می‌دانم در اینجا به نکات مهمی که در ابتدای فصل برای یک تیم خیلی مهم است، اشاره کنم. اول باید تیم را خوب ببندید. دوم تمرینات را به موقع شروع کنید و سوم دوران بدنسازی خوبی را پشت سر بگذارید که این موضوع بسیار مهم و قابل توجه است. در برنامه‌ای که در ابتدای فصل به باشگاه دادم، گفته بودم در دروازه، هافبک دفاعی و فوروارد، خواهان بازیکنم. باتوجه به قانون ۲۷ساله‌ها که همگی قرارداد دو ساله داشتند نیز با مشکل مواجه شدیم. در آن روزها مدیریت هم سعی کرد بازیکنان مورد نظر را جذب کنیم اما زمان از دست رفته بود. الان در پرسپولیس تاحدودی بازیکنان خوب و مدنظر جذب شده که این موضوع تا حدودی کار کادر فنی را راحت‌تر می‌کند چراکه با دست باز بازیکنانش را انتخاب می‌کند.

هواداران پرسپولیس هم مخالف حضور شما در تیم بودند؟

دوستی من با حبیب کاشانی همیشه باعث شده بود شایعه حضورم در پرسپولیس شنیده شود. من حتی زمانی که در استیل‌آذین بودم، برخی می‌گفتند می‌خواهم به پرسپولیس بروم. همیشه این حرف‌ها زده می‌شد؛ اما دیدید که هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاد. چون در ابتدا کمیته فنی انتخاب شد و بعد از علی دایی، من انتخاب شدم، فکر نمی‌کردم چنین جوی را روی سکوها شاهد باشم. از همان ابتدا که وارد زمین می‌شدیم، کل هواداران علیه تیم شعار می‌دادند که این مساله خیلی سخت و باورنکردنی بود. همه چیز در دیدار اول فصل داشت خوب پیش می‌رفت اما اولین توپ که روی دروازه ما آمد، شعارها نیز از روی سکو بلند شد و شاهد اعتراض بی‌امان هوادارها بودیم. به‌شخصه انتظار چنین برخوردی را از طرفداران نداشتم. اینها به دلیل آمدن من و رفتن دایی بود. اگر یک‌درصد هم پیش‌بینی می‌کردم با من این برخورد می‌شود، هیچ‌وقت حاضر نمی‌شدم بیایم. هوادار به من و تیمم حتی یک بازی هم فرصت نداد.

هواداران با شما مشکل داشتند یا علی دایی را می‌خواستند؟

هواداران علی دایی را می‌خواستند و هر هفته این فشارها بیشتر می‌شد. بازی با استقلال خیلی حیاتی بود. اگر آن مسابقه را می‌بردم، می‌شد چند هفته یا تا آخر فصل بمانم اما این اتفاق نیفتاد. پیروزی مقابل استقلال مساوی است با آرامش چند هفته‌ای. دنیزلی دیدار برابر استقلال را که برد، کارش خیلی راحت‌تر شد چراکه بار روانی این بازی خیلی بالاست. وقتی چند بازی بعدی را پیروز شدیم، هوادار راضی نبود. بازی با داماش را هم که دیدید چه شد و بعد از آن هم دو بازیکن خوبم از تیم اخراج شدند که روی حضور آنها حساب ویژه‌ای می‌کردیم. با اخراج شیث رضایی و محمد نصرتی، نیمکت خالی‌تر از گذشته شد. هیچ‌وقت فکرش را هم نمی‌کردم چنین اتفاقی برای بازیکنانم بیفتد. خود بازیکنان هم بعد از این اتفاق بسیار ناراحت و پشیمان بودند ولی چه فایده که برای پرسپولیس گران تمام شد.

قبول دارید نفرات خوبی جذب نکردید؟

در مورد جذب نفرات باید بگویم سیدصالحی به باشگاه آمد. صحبت کردیم و چون شماری از هواداران جلو در باشگاه آمده بودند و گفتند استقلالی است و نمی‌خواستند جذبش کنیم، منصرف شدیم. رضایت هوادار برایم خیلی باارزش بود. فونیکه‌سی را از ایرانجوان بوشهر انتخاب کردم و بازی‌اش را خودم به‌شخصه از نزدیک دیده بودم، حتی به باشگاه آمد و مذاکره هم انجام دادیم. چون زمان را از دست داده بودیم، قرارداد داخلی با صنعت نفت آبادان بسته بود که حضورش منتفی شد. با مهدی کیانی و مهدی ایرانژاد صحبت کردیم. چون دیر شده بود همگی قرارداد بسته بودند و نتوانستیم با عمده بازیکنان مورد نظر قرارداد ببندیم.

دستیاران‌تان کمکی به شما کردند؟

درمورد دستیاران هم باید بگویم آقای زمدیک و عاشوری نهایت تلاش خود را برای تیم می‌کردند اما وقتی شرایط آن‌گونه رقم خورد و دوران آماده‌سازی خوبی نداشتیم، بازیکنان مورد نظر جذب نشدند، بازیکنان به طور کامل در اختیار باشگاه نبودند، دیدارها هر سه یا چهار روز یک‌بار انجام می‌شد و فرصت نداشتیم روی تمام نقاط ضعف و قدرت حریفان کار کنیم، چه انتظاری می‌توان داشت؟ صددرصد وجود کمک‌های خوب خیلی تاثیرگذار است؛ ولی از شما خواهش دارم فراموش نکنید مهم‌ترین مساله ابزار است که متاسفانه آن را در اختیار نداشتیم. اگر تیم کامل باشد و هوادار حمایت کند و نیمکت مطمئن داشته باشید، شک نکنید نتایج آن‌گونه که انتظار دارید رقم می‌خورد.

مدیریت رویانیان در پرسپولیس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پرسپولیس با کمک محمد رویانیان توانسته خریدهای خوبی کند. هیچ سال اینقدر خوب تیم بسته نشده بود. بازیکنان خیلی خوبی جذب شده‌اند که نشان‌دهنده مدیریت خوب آقای رویانیان است.

نظرتان در مورد رفتن دنیزلی چیست؟

بهتر بود که دنیزلی می‌ماند. به هرحال نیم‌فصل در کنار پرسپولیس بود و با تیم آشنایی داشت. اگر دنیزلی به سبب شرایط خانوادگی مجبور به ترک ایران نمی‌شد، می‌توانست نتایج خوبی را در این دوره کسب کند. این همه بازیکن خوب نیاز به مربی خوب دارند تا بتوانند نتیجه خوبی بگیرند. به هر حال تا دو سه روز آینده مربی جدید معرفی خواهد شد.

فکر می‌کردید گزینه مورد نظر رویانیان چه کسی باشد؟

ممکن بود متسو باشد یا کالدورون یا ژوزه. به هرحال این چند گزینه مورد نظر او بود و آخر سر ژوزه مانوئل به سرمربیگری پرسپولیس انتخاب شد. امیدوارم با آمدن مربی جدید برای پرسپولیس، شرایط به‌گونه‌ای شود که هواداران تیم خوشحال شوند.

درباره خریدهای خاص رویانیان بگویید. واقعا چنین خریدهایی ضرورت داشت؟ به‌خصوص اینکه همین بازیکنان نتوانستند خواسته‌های هواداران را برآورده کنند. آیا این همه هزینه با موفقیت همراه خواهد بود؟

پرسپولیس هوادارانی دارد که همیشه توقع‌شان قهرمانی است. امسال هم واقعا نیاز بود که یک‌سری بازیکن به تیم اضافه شود. یک‌سری هم که قراردادشان تمام شده بود. به هر حال من خودم مربی این تیم بودم و در جریان بودم که امسال قرارداد اکثر بازیکنان تمام می‌شد. به نظر من هفت بازیکنی که اضافه کردند همه ملی‌پوش هستند و بی‌شک این بازیکنان ملی کمک بسیاری به پرسپولیس خواهند کرد. درباره قیمت‌ها هم باید بگویم من نمی‌توانم درباره قیمت نظر بدهم چون این موضوعی است که مربوط به باشگاه‌هاست. به نظر من مهم این است که بازیکنانی بیایند و تیمی بسته شود که موثر باشند و از همه مهم‌تر ساختار باشگاه را درست کنند.

> **به نظر من هفت بازیکنی که اضافه کردند همه ملی‌پوش هستند و بی‌شک این بازیکنان ملی کمک بسیاری به پرسپولیس خواهند کرد**
>
> ■■■
>
> **هر بازیکنی یک قیمتی دارد؛ یکی بیشتر می‌گیرد، یکی کمتر. قیمت گذاشتن و سقف تعیین کردن به جز اینکه ایجاد تورم کند چیز دیگری را عاید فوتبال نمی‌کند. هر تیم با یک هدف کار می‌کند**

برای ایجاد این ساختار چه باید کرد؟

با یک برنامه‌ریزی خوب و هدفمند به‌خصوص در مورد تیم‌های پایه که بزرگسالان آینده ما را تشکیل خواهند داد، می‌توان به یک ساختار خوب رسید. البته نتیجه هم جزیی از کار و هدفمندی کار است، اما مهم‌تر ساختار باشگاه است؛ اینکه چه جوری می‌خواهیم کار کنیم. چگونه شروع کنیم. با این هدف کار کنیم که می‌خواهیم ظرف چند سال آینده قهرمان آسیا شویم و ظرف چند سال آینده می‌خواهیم از تیم‌های پایه‌مان تغذیه کنیم و این همان برنامه هدفمندی است که به نظر من باید ترسیم شود. باید برنامه‌ریزی خوب داشته باشیم. اولویت را برای تقویت تیم‌های پایه بگذاریم و فدراسیون فوتبال و دولت باید زمینه را آماده کنند. باید قوانینی را تنظیم کنیم و برنامه‌ای برای چگونگی انجام کارها بنویسیم که ظرف ۱۰ سال آینده به موفقیت برسیم. متاسفانه اکثر برنامه‌های ما کوتاه‌مدت هستند، البته این حرف‌ها بارها گفته شده، نه من بلکه پیشکسوتان بارها به این نکات اشاره کرده‌اند اما خب به هیچ جا هم نرسیده است.

عکس: مهدی حسنی/شرق

پس با این خریدها و قیمت‌های نجومی مشکل ندارید؟

در فوتبال حرفه‌ای نباید از این حرف‌ها زد. به هر حال هر بازیکنی یک قیمتی دارد؛ یکی بیشتر می‌گیرد، یکی کمتر. قیمت گذاشتن و سقف تعیین کردن به جز اینکه ایجاد تورم کند چیز دیگری را عاید فوتبال نمی‌کند. هر تیم با یک هدف کار می‌کند. رئال‌مادرید و بارسلون تیم را برای قهرمانی می‌بندند، یک‌سری دیگر برای اینکه از وسط جدول نیفتند و بعضی‌ها هم می‌آیند که جزو سهمیه شوند. استقلال و پرسپولیس هم تیم‌هایی هستند که همیشه باید برای قهرمانی بجنگند و قطعا بازیکنانی که می‌گیرند باید از بهترین‌ها باشند.

دنیزلی با سروصدای بسیار کار در پرسپولیس را شروع کرد اما نتوانست نتایج مطلوبی کسب کند. چرا؟

کسی در اینکه دنیزلی مربی بزرگی است شک ندارد؛ اما در رابطه با نتیجه گرفتن نمی‌دانم! به هر حال این‌طور نبوده که دنیزلی کاری نکرده باشد، بی‌شک زحمت کشیده اما خب این حسن فوتبال است که نمی‌شود هیچ چیز را در آن پیش‌بینی کرد. کسی فکر نمی‌کرد که هلند در دور مقدماتی یورو با سه باخت حذف شود یا روسیه در اولین بازی به چک چهار گل بزند و بعد حذف شود. زیبایی فوتبال به همین چیزهاست، اما خب دنیزلی هم زحمت کشید و به این نتیجه رسید که امسال یک‌سری از بازیکنان باید بروند و یک‌سری جدید بیایند و این تفکر هم تا حدودی به نظر من درست بود.

فکر نمی‌کنید زمان آزمون و خطا حداقل برای ما گذشته باشد؟! به هر حال دنیزلی از همان ابتدای ورود با مشکلات خانوادگی روبه‌رو بود!

به همین دلیل است که می‌گویم باید ساختارها درست شود؛ نه تنها در باشگاه بلکه در کل فوتبال باید این ساختارها را درست کنیم. باید قراردادها را درست کنیم. اگر قراردادها درست بسته شود و ساختار فوتبال درست شود دیگر به این مشکلات و آزمون و خطاها نمی‌رسیم. تا زمانی که این ساختار درست نشود و برنامه‌ریزی مدون وجود نداشته باشد هر ساله این اشتباهات و خطاها تکرار می‌شود. همه ساله یک‌سری قوانینی که باید درست و جدی بگیریم را جدی نمی‌گیریم. به‌طور مثال وقتی تیم یوونتوس خطا کرده و متهم به تبانی می‌شود محکومش می‌کنند و تیم را به لیگ پایین‌تر می‌فرستند، اما متاسفانه در کشور ما قانون و قانونگذار این مسایل را جدی دنبال نمی‌کنند و ما خیلی قانونمند نیستم و تا زمانی که قانونمند نشویم این مشکلات را همواره خواهیم داشت. در این میان رسانه بی‌تقصیر نیست.

پس رسانه‌ها را مشکل می‌دانید؟

شما هیچ جای دنیا نمی‌بینید که بروند از هواداری که ناراحت است سوال کنند؛ شاید هم باشد، اما من سراغ ندارم. قطعا وقتی دوربین به سمت هوادار ناراحت برود ممکن است از روی ناراحتی یک‌سری حرف‌هایی بزند که حرمت بازیکن، مربی، باشگاه و مدیر را از یاد ببرد.

برنامه‌ای مثل ۹۰ تا چه حد به این حواشی دامن زده است؟

برنامه ۹۰ برنامه‌ای خوب و آموزنده است. اگرچه این برنامه نکات منفی زیاد دارد، اما به نظر من نکات مثبتش بیشتر است.

آینده پرسپولیس را با وجود مطرح شدن نام مربیان خارجی چگونه می‌بینید؟

مربی خارجی یک سپر است برای اینکه کمتر به مربی خارجی اعتراض می‌شود. تاریخ نشان داده در رده ملی و باشگاهی مربیان خارجی در امان‌تر هستند، حداقل در کشور ما که این‌گونه است. نمی‌خواهم بگویم مردم ما غریبه‌پرست‌اند آنها میهمان‌نواز هستند و همیشه این مساله بوده که انتقادات کمتری به مربیان خارجی می‌شود. با این همه آمدن مربی خارجی می‌تواند به فوتبال ما کمک کند.

حضور کی‌روش تا چه اندازه مثمرثمر بود و آیا او از هجمه‌ها در امان است؟

کی‌روش مربی خوبی است. به نظر من یکی از بهترین مربیانی است که وارد ایران شده. البته او به تنهایی نمی‌تواند فوتبال ما را عوض کند. ساختار فوتبال ما درست نیست. باید برنامه‌ریزی کنیم و ببینیم که برای چند سال آینده چه کار خواهیم کرد. همان‌طور که ژاپن آمد و این برنامه‌ریزی را انجام داد و یک چشم‌اندازه ۱۰ساله را برای خود ترسیم کرد. متاسفانه چشم‌اندازهای ما همه شش‌ماهه تا یک‌ساله است. این در حالی است که فوتبال یک پروسه زمان‌بر است و نمی‌توان با یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت تغییرات بنیادین ایجاد کرد. البته ثبات در کار مدیران ما وجود ندارد و همه می‌خواهند خیلی سریع میوه‌ای را بچینند در صورتی که باید مقداری صبر و تامل کرد.

علت علاقه کی‌روش به استفاده از بازیکنان دورگه را چه می‌دانید؟

کی‌روش عقیده و سلیقه‌اش بر این است که از همه پتانسیل‌ها استفاده کند و این چیز بدی نیست. دژاگه خیلی خوب است، تجربه خوبی دارد و قطعا با آمدنش به فوتبال ما کمک می‌کند. ما باید از پتانسیل‌اش استفاده کنیم. البته این را هم بگویم که ما در کشورمان پتانسیل‌های بسیار خوبی داریم.

چرا مربیان ما به‌روز نمی‌شوند؟

ما احتیاج داریم به جای مربی خارجی، مدرس خوب بیاوریم و این کار فدراسیون فوتبال است که ظرف یک سال چندین کلاس بگذارد. به هر حال احتیاج داریم مدرس‌ها بیایند و آموزش بدهند یا شرایطی را مهیا کنند تا یک‌سری مربیان برای آموزش و بازآموزی به خارج از کشور بروند. این‌طور هم نیست که مربیان به دنبال به‌روز شدن نباشند. ما امروز نسبت به ۱۰ سال پیش مربیان خوبی داریم. همه مراحل مربیگری را گذرانده‌اند، خود من مربیگری حرفه‌ای هم گرفتم. اغلب به دنبال این هستند که به‌روز شوند. امروز اکثر تیم‌ها آنالیزور دارند و کار تغذیه‌ای و بدنسازی انجام می‌دهند. خیلی از مربیان به‌روز هستند.

درباره بازی‌های یورو چه نظری دارید؟

یورو به ما درس‌های خوبی داد؛ نه‌تنها به فوتبالیست‌ها بلکه به مردم و از همه مهم‌تر به رسانه‌ها. آنجا مثل کشور ما نیست که رسانه بعد از بازی و در شرایطی که بازیکن، تماشاچی و مدیر ناراحت است، در مورد نتیجه سوال کند، از طرفدار بپرسد نتیجه را چگونه دیدید و آنها هم از روی ناراحتی هرچه بخواهند بگویند. به نظر من مهم است که رسانه‌های ما به این مساله دقت کنند. از یورو باید درس بگیریم. ایرلند وقتی چهار گل خورد، هوادارانش دقایق طولانی روی سکوها ماندند و بازیکنان کشورشان را تشویق کردند. کرواسی، هلند و خیلی از تیم‌ها بودند که حذف شدند؛ اما هیچ‌وقت این مساله را ندیدیم که هوادار بیاید و چیزی پرت کند و ناسزایی بگوید. ما در کشورمان رسانه‌های زیاد داریم که همگی دوست دارند به حاشیه‌ها بپردازند. بایرن‌مونیخ در لیگ‌قهرمانان و در زمین خود به چلسی می‌بازد اما هوادار بایرن همچنان تیم خود را تشویق می‌کند. این اتفاق در کشور ما هیچ‌وقت نمی‌افتد مگر اینکه ما فضا را درست کنیم. فضا را هم رسانه‌ها می‌توانند درست کنند. رسانه‌ها همیشه تاثیرگذار بوده و هستند در این زمینه که مسایل فرهنگی را جا بیندازند و کمتر به حاشیه‌ها بپردازند. مادامی که به دنبال حاشیه باشیم همین وضعیت را داریم. متاسفانه در ایران همیشه با حاشیه‌ها زندگی کرده‌ایم. همه این حواشی را دوست دارند و متاسفانه رسانه‌ها هم به این حاشیه‌ها دامن می‌زنند. به نظر من شرایط در کشور ما خاص است. چه فوتبال بازی کردن، چه تماشا کردن و چه نوشتن درباره آن خاص است.

ادامه در صفحه ۱۷

گزارش

درخواست فرانسویان از «دشان»

«دیدیه» اعتماد ما را برگردان!

■ «دیدیه اخمو» جانشین «آقای رییس‌جمهور» شد. او ماموریت دارد اعتماد ازدست‌رفته فرانسویان به «آبی‌ها» را بازگرداند. آیا دیدیه دشان از پس این چالش دشوار بر می‌آید یا در نهایت به سرنوشت لمه، دومنک و بلان دچار می‌شود؟

به گزارش ایسنا، تیم‌ملی فرانسه سرمربی جدیدی نمی‌خواهد و بیشتر باید یک «درمانگر» را برای خود بیابد؛ یک «پزشک ملی».

دیدیه دشان به خوبی می‌داند چه کار سختی را پیش رو دارد. شاید برای همین هم بود که چهار روز زمان خواست تا به پیشنهاد فدراسیون فوتبال فرانسه فکر کند و سپس پاسخ بدهد. سرمربیگری تیم‌ملی فرانسه پیش از آنکه دانش فنی و تاکتیکی بخواهد، توانمندی دیگری را می‌طلبد. بحران ورزشی خروس‌ها رفته‌رفته به مرضی مزمن تبدیل می‌شود که درمانش بیش از همه توانایی‌های اجتماعی مربی را در رویارویی با بازیکنان دردسرساز می‌خواهد. دشان همه این امراض را به خوبی می‌شناخت که پس از چهار روز کلنجار رفتن با خودش و گفت‌وگوهای طاقت‌فرسا با «نوئل لو گرائه»، رییس فدراسیون فوتبال فرانسه رضایت داد روی صندلی خالی مربی خروس‌ها بنشیند. فرانسویان پس از کناره‌گیری بلان هفت روز منتظر بودند تا سرمربی جدید تیم‌ملی کشورشان را بشناسند. یکشنبه‌شب بود که ستاره‌ای از تیم قهرمان جام‌جهانی ۱۹۹۸ دوباره در آسمان فوتبال فرانسه آفتابی شد؛ دیدیه دشان، همان دشانی که موناکو را به دیدار پایانی لیگ‌قهرمانان اروپا رساند. همان دشانی که یوونتوس تورین را به سری A بازگرداند. همان دشانی که المپیک مارسی را قهرمان لو شامپیونه کرد. او اکنون قرارداد دو ساله‌ای را در دست دارد که البته تمدیدشدنی هم هست. تنها کافی است که دشان خروس‌ها را به برزیل ۲۰۱۴ برساند. آن‌وقت یورو ۲۰۱۶ در فرانسه به او چشمک خواهد زد.

ولی راه آمریکای‌جنوبی برای فرانسویان نه نزدیک است و نه هموار. دشان اکنون همان جایی ایستاده که بلان دو سال پیش بود. او هم باید لشکری شکست‌خورده را دوباره زنده کند؛ تیمی که از نظر ورزشی و روانی نیازمند ترمیم و بازسازی است. پیش از هر کاری هم باید برای سربازان کم‌تجربه، خام و ناتوان در اوکراین و لهستان هدف دوباره‌ای را تعیین کند. «سرکش بودن» را نیز باید به دیگر ویژگی‌های این گروه دردسرساز افزود. بلان در ماموریت غیرممکن دو ساله‌اش توانست با صبوری و درک بالا از پس این چالش برآید، چنانکه بیشتر بازیکنانش در پایان یورو ۲۰۱۲ بر این باور بودند که «آقای رییس‌جمهور» سرزمینش را ترک نخواهد کرد. دشان اگرچه از ابهت ذاتی یک قهرمان جهان و اروپا برخوردار است ولی در مقابل «دیپلماسی» از ویژگی‌های رفتاری این باسکی عبوس و اخمو نیست. دیدیه ۴۳ساله در مارسی همیشه با روسایش درگیر بود و حتی حاتم بن عرفه ملی‌پوش را هم از تیم کنار گذاشت. رفتار او در گذشته نشان می‌دهد پتانسیل درگیری دشان و لو گرائه بسیار بالاست. بلان نیز در گذشته به عنوان مربی از این آزادی مطلوب برخوردار نبود. دشان هم باید بداند که دستانش در «Sélectionneur» باز نیست. او مارسی را هم به گفته خودش برای آن ترک کرد که احساس می‌کرد سیاست‌ها از سوی سران باشگاه به او «دیکته» می‌شود. دیدیه باید «کنار آمدن» را فرا گیرد. او باید در همکاری با برخی از نزدیکانش تجدیدنظر کند و با ناکارآمدی ستارگانی چون هوگو لوریس و یوهان کابایه و دیگران در جام ملت‌های اروپای ۲۰۱۲ کنار بیاید. دشان شاید برخی از آنها همانند «سمیر نصری» را برای مدتی در اختیار نداشته باشد. دشان باید به دنبال بازیکنان جوانی باشد که در بازی دوستانه ۱۵ آگوست برابر اروگوئه «تیم» شده باشند. مردم فرانسه از تئاتر تیم‌ملی فوتبال کشورشان دلزده هستند چنانکه می‌خواهند در پاداش وعده داده شده به این بازیکنان نگاه دوباره‌ای صورت گیرد. از هر فرانسوی تنها یک تن «آبی‌ها» را دوست دارد و فریاد پاکسازی از گوشه و کنار این کشور به گوش می‌رسد. پیام‌ها به سرمربی جدید به خوبی روشن است: اعتمادها از دست رفته و دشان باید آن را برگرداند؛ آن هم با برد به معنای واقعی کلمه.

خبر

پایین آوردن دستمزد تنها راه ماندن نکونام در «اوساسونا»

■ کاپیتان تیم‌ملی فوتبال ایران می‌تواند با دستمزدی کمتر نسبت به گذشته در تیم اوساسونا باقی بماند. به گزارش سایت ساکروی، جواد نکونام که مورد توجه استقلال قرار گرفته و از یک تیم قطری و باشگاه‌های ترکیه پیشنهاد دارد، در صورتی که بپذیرد دستمزد خود را کاهش دهد، همچنان امکان ادامه حضور در اوساسونا را خواهد داشت. بر اساس اعلام ناوارو اسپورت، نکونام بالاترین سطح دستمزد را در اوساسونا دارد اما باشگاه قادر به پرداخت دستمزد وی با شرایط گذشته نیست.

در این گزارش رقم دستمزد این بازیکن اعلام نشده است. نکونام که یک سال دیگر با اوساسونا قرارداد دارد در صورتی که بخواهد راهی تیم دیگری شود باید رقمی بالغ بر ۲/۵میلیون یورو بابت رضایت‌نامه‌اش بپردازد. با این حال گفته می‌شود مدیران اوساسونا در حال مذاکره با مدیر برنامه‌های این بازیکن هستند تا در صورت پذیرش از طرف او، با دستمزد کمتر امکان ادامه همکاری را بیابند. این بازیکن از سال ۲۰۰۶ در خدمت اوساسونا است و بیش از ۱۵۰ بازی برای این تیم انجام داده است. این در حالی است که نکونام روز گذشته از مذاکره با باشگاه الغرافه قطر خبر داده بود.